

از زبان مادری مان محافظت کنیم

هلیا در سرزمین شاهنامه

۱۴۴

شکر + کوله بيشته

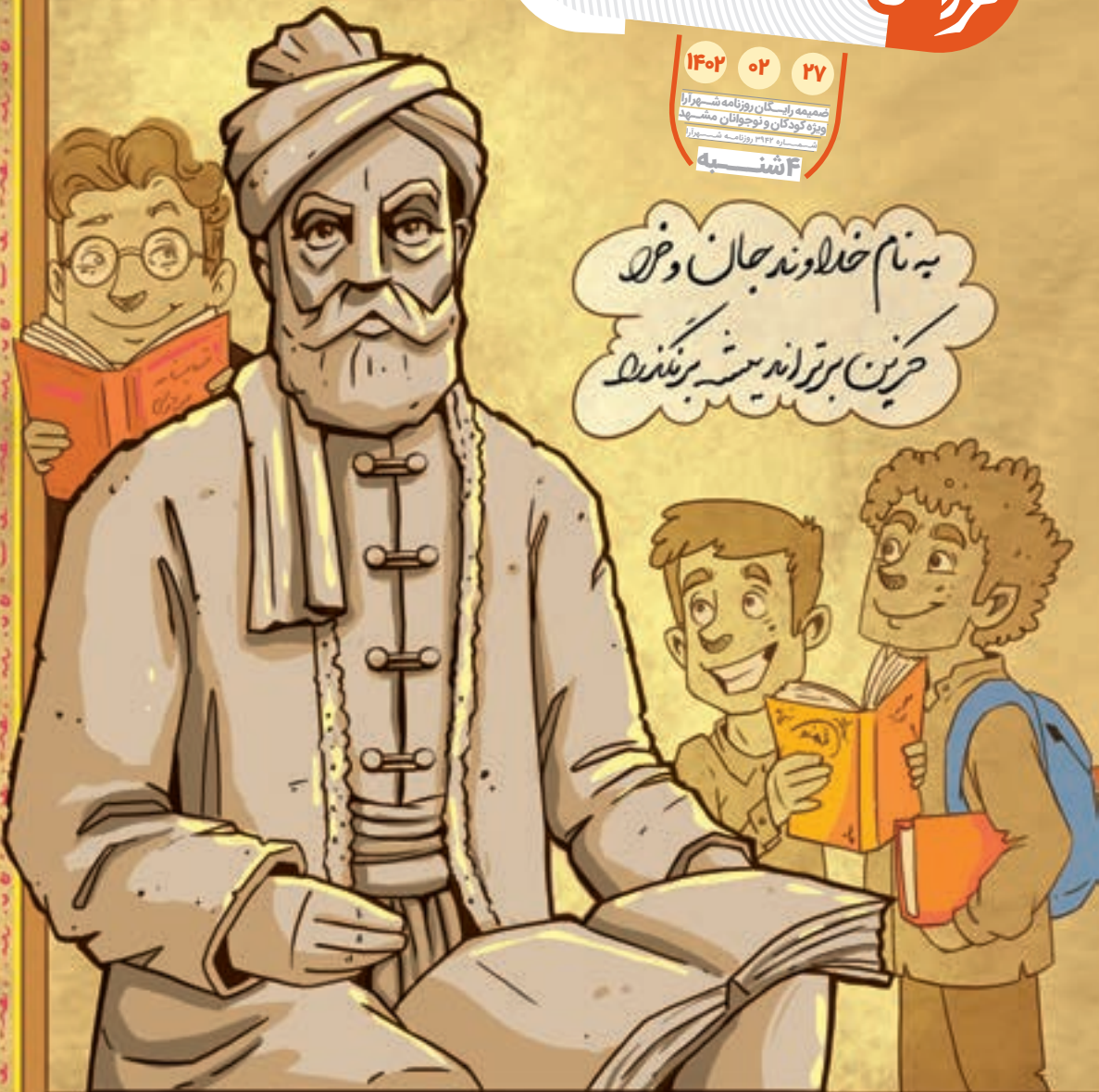
۱۴۰۲

۰۲

۲۷

ضمیمه رایگان روزنامه شهروار
ویژه کودکان و نوجوانان مشهد
شماره ۳۹۲۲ روزنامه شهروار
۴شنبه

به نام خداوند جان و خرد
حزین برتر اندیشه برنندگان



از زبان مادری مان محافظت کنیم

بعد از نام و یاد خدای دانا و توانا، سلامی گرم و صمیمی به همه‌ی شما بچه‌های زیر و زنگ که همیشه علاقه‌مند مطالعه و دانایی هستید.



دوستان عزیز کوله‌پشتی، حال و احوالتان چطور است؟ امیدواریم خوب و سالم باشید و بتوانید نمره‌هایی خوبی در امتحانات پایان سال تحصیلی به دست آورید و نتیجه‌های خوب و عالی در کارنامه‌ی تحصیلی‌تان بدرخشند.

همان‌طور که می‌دانید، بیست و پنجم اردیبهشت و بیست و هشتم اردیبهشت در تقویم روزهای پرافتخاری برای علاقه‌مندان به شعر و شاعری و ادبیات است. این روزها بیش از هر زمان دیگری در برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا حتی تابلوهای شهری نام حکیم ابوالقاسم فردوسی و حکیم عمر خیّام نسابوری را می‌توان شنید.

این دو شاعر و حکیم بزرگ خدمت‌های ارزشمندی انجام داده‌اند که بر هر ایرانی به‌ویژه خراسانی‌ها لازم است با این کارهای گران‌قدر آشنا شوند.

فردوسی بزرگ حدود هزار سال پیش با سرودن کتاب شاهنامه، زبان فارسی را مانند گنجی گران‌بها در خراسان از خود به یادگار گذاشت، گنجی که اکنون همه‌ی ایرانیان به آن افتخار می‌کنند.

شاید بپرسید: مگر یک کتاب می‌تواند گنج باشد؟ بله، یک کتاب که خالقش



فهرست

از زبان مادری مان محافظت کنیم ۱/
رودخانه ۲/
جای حیوانات بازیافتی ۳/
زمین تر و هوا تر ۴/
ماجرای جوی در دل دریا ۶/
این ردپای عجیب ۷/
جزیره‌ی شکل ۸/
ماست و خیار ۹/
قاب کودکی ۱۰/
حکیم خیام نسابوری ۱۱/
خوب گوش کنیم و از کلام بیهوده پیر هیزیم ۱۲/
کیک ۱۴/
جدول انگلیسی ۱۶/
عروسک دھول روستای بردان ۱۷/

صاحب امتیاز:

شهرداری مشهد

مدیر مسئول:

سید میثم موسوی مهر

سر دبیر:

سید سجاد طلوع هاشمی

دبیر صنایع:

ارژنگ جاتمی

دبیر کوله‌پشتی:

طیبه سادات ثابت

گرافیک و صفحه‌آرایی:

ملک جمعی

پست الکترونیک:

sabet@shahrara.com

نشانی سایت:

shahraranews.ir/fa/kids

آینا روزنامه: ۰۶۰-۹۰۵۴۶۵۸۱

نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱

دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱

توزیع و امور مشترکین:

۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱

داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



واژگان زبان مادری مان را در برابر توفان‌های فرهنگی و تهاجمات تاریخی حفظ می‌کرد؟ اگر خیام تقویم و روزشمار را به وجود نمی‌آورد، روزهای بی‌تقویم و گذشت ماه و سال را چگونه اندازه‌گیری می‌کردیم؟ امروز به کتابخانه رفتم و دوباره یکی از داستان‌های شاهنامه را خواندم. به راستی که شاهنامه شاهکار است!

سال‌ها برای آن وقت گذاشته باشد و پر از نکات و واژه‌ها و درس‌های ارزشمندی برای زندگی ما باشد یک سرمایه تمام نشدنی و گنج است. فردا هم در تقویم روز حکیم عمر خیام است که ستاره‌شناس، شاعر و فیلسوف بوده است و تقویم جلالی یادگار او برای همه‌ی ماست. فکرش را بکنید اگر این دو نبودند آیا کتابی داشتیم که همه‌ی



رودخانه

من روی کوه بودم
سرتاسر زمستان
یک کوه کله قندی
با صخره‌ی فراوان

هم‌رنگ برف بودم
بی‌حال و ساکت و سرد
خورشید داغ آمد
حال مرا عوض کرد

حالا پراز صدایم
کوه ترانه هستم
شرشر صدایم این است
من رودخانه هستم



منیره هاشمی



تصویرکن: زهره افطاسی

کاردستی

جای حبوبات بازیافتی



طاہرہ عرفانی

چطوری درست کنیم؟

در همه‌ی خانه‌ها شیشه‌های خالی شیر یا مربا یا ترشی پیدا می‌شود. دوست دارید با آن‌ها جای بازیافتی حبوبات یا ظرف‌های زیبایی برای چای و شکر و قند درست کنید و به مادرتان هدیه بدهید؟ پس دست به کار شوید! وسط شیشه‌ها را مطابق شکل، نوار چسب کاغذی یا چسب برق بچسبانید. شیشه‌ها را با اسپری رنگ کنید. بعد از خشک شدن شیشه‌ها، نوار چسب را از بدنه‌ی شیشه‌ها جدا کنید. کاردستی شما آماده است!

چی لازم داریم؟

شیشه‌های مربا یا ترشی

چسب حرارتی

چسب کاغذی

اسپری رنگ

اسپری طلایی



زمین تر و هوا تر!



بچه خرگوش‌ها با غصه گفتند:
«سرسره خیس است. شره‌ایش
هم معرکه است. اگر شر بخوریم،
خیس می‌شویم.» راکن لبخندی
زد و گفت: «اینکه غصه ندارد.»
و دستمال جیبش را بیرون آورد
و رفت سراغ سرسره و رویش را
خشک کرد. بعد هم با مهربانی
گفت: «بفرمایید سر بخورید.» راکن
رفت و بچه خرگوش‌ها دويدند تا با
خوش حالی سر بخورند. اما هنوز
یک سر بیشتر نخورده بودند که باران
چک و چک باز سرسره را خیس کرد.
بچه خرگوش‌ها غمگین دوباره
یک گوشه نشستند. خانم بزبزی
که داشت با عجله می‌رفت خانه تا
خیس نشود، تا بچه خرگوش‌های
ناراحت را دید و ماجرا را فهمید، با

وقتی باران می‌بارد، همه جا را تر می‌کند، زمین و آسمان
و هر جای دیگری را، حتی سرسره‌ها را.
سرسره‌ی پارک هم با باریدن باران حسابی تر شده بود.
باران که بارید، زمین تر شد. هوا تر شد. سقف‌خانه‌ها
تر شد. حتی سرسره‌ی وسط پارک هم تر شد، آن قدر
تر و خیس که نمی‌شد رویش سرسره بازی کرد.
بچه خرگوش‌ها آمده بودند توی پارک تا بازی کنند
و چند بار سر بخورند اما وقتی دیدند سرسره
خیس است، ناراحت شدند و یک گوشه
نشستند. راکن که داشت رد می‌شد
و برای خودش زیر باران قدم
می‌زد، بچه خرگوش‌ها را دید،
پرسید: «چی شده؟! چطور
شده؟! چرا ناراحتید?!»





گوشه‌ی روستای سرسره را خشک کرد و گفت: «بع‌بع! بیاید بچه‌ها، زود سر بخورید تا سرسره خیس نشده!» بچه‌ها خرگوش‌ها هم شاد و خوش حال دویدند تا سر بخورند اما باز تا یک سر خوردند، باران چک و چک سرسره را خیس کرد. بچه‌ها خرگوش‌ها ناراحت‌تر از قبل یک گوشه نشستند. آقا لاک پشت پیر که داشت آهسته از آنجا رد می‌شد، تا بچه‌ها خرگوش‌های خیلی ناراحت را دید، پرسید: «چی شده؟! چطور شده؟! چرا ناراحتید؟!» بچه‌ها خرگوش‌ها با غصه گفتند: «سرسره خیس

شده بود، فکری کردند و به هم نگاه کردند. بعد هم با عجله بلند شدند و رفتند خانه. باران چک و چک همین‌جور بارید تا اینکه بالاخره خسته شد و رفت. آن وقت خورشید خانم از پشت ابرها آمد بیرون و خیلی زود با نورش سرسره را خشک کرد. بچه‌ها خرگوش‌ها وقتی شاد و خندان آمدند پارک تا بازی کنند، سرسره دیگر حسابی خشک شده بود. بچه‌ها خرگوش‌ها با شادی گفتند: «جانمی! بازی بازی! سرسره بازی!» و دویدند و سر خوردند و سر خوردند، یک بار و دو بار صد بار.

است. شهرهایش هم معرکه است. اگر سر بخوریم، خیس می‌شویم.» آقا لاک پشت پیر تا ماجرا را شنید، نچ‌نچی کرد و گفت: «زمین ترو هوا تر، تمام خانه‌ها تر، حتی سرتاپای بچه‌ها خرگوش‌ها تر! این چه وقت سرسره بازی است؟! چرا نمی‌روید خانه، وقتی باران بند آمد، بیاید سر بخورید؟!» بچه‌ها خرگوش‌ها که حسابی خیس شده بودند و کمی هم سردشان





بازی موبایلی

ماجرای جویی در دل دریا



علیرضا وهانی نیا

در بازی این هفته به دل دریاها و اقیانوس‌ها خواهیم زد تا به شکار ماهی‌ها برویم. داستان بازی Creatures of the Deep درباره‌ی ماهیگیر جوانی است که از روی علاقه دل به دریا زده است و قصد دارد کسب و کار ماهیگیری خود را راه بیندازد. شما باید به این فرد کمک کنید از پس چالش‌هایی که دارد بربیاید و تجهیزاتی را ارتقا دهد. در این بازی، همه چیز سراسر است و بدون پیچیدگی است و با فضای آرامش بخشی روبه‌رو خواهید بود. در دنیای این بازی تنوع بسیار زیادی از ماهی‌ها وجود دارد که ارزششان متفاوت‌تر از دیگر ماهی‌های این بازی است. برای به دست آوردن ماهی‌های کمیاب‌تر، باید خوش‌شانس باشید و زمان بیشتری را نیز صرف گشت و گذار در دل دریاها کنید. ماهی‌های این بازی درجه‌ی کمیابی خاص خود را دارند. هر قدر ماهی کمیاب‌تر باشد، ارزش پولی بیشتری نیز خواهد داشت. فاکتورهای دیگری مانند وزن و نژاد ماهی نیز می‌تواند در نتیجه‌ی نهایی کار اثرگذار باشد. یکی از دوست‌داشتنی‌ترین قسمت‌های این بازی پرند قرمز رنگی است که همسفر شما در ماجراجویی‌های دریایی‌تان خواهد بود. دبالوگ‌های این پرند معمولاً بامزه و خنده‌دارند. گاهی نیز کنایه‌های بامزه‌ای می‌گویند. برای مثال، اگر نتوانید ماهی بگیرید و قلابتان خالی باشد، این پرند به شما پیشنهاد خواهد کرد از عینک استفاده کنید! در ابتدای کار، ابزارهای حرفه‌ای در اختیار ندارید اما با شکار ماهی‌ها و فروختن آن‌ها می‌توانید پول به دست آورید و وسایل بهتری بخرید.



کد روبه‌رو را اسکن کنید
و به دل دریا بنشینید!

اسکن کنید





معرفی کتاب

این ردپای عجیب



کتاب «این ردپای عجیب» داستانی تصویری و بدون متن است. تنها کلمه‌های این کتاب داستان، عنوانی‌های هریخش از کتاب است که مقدمه و تعریفی برای ورود به این اثر جالب است. تصاویر داستانی را از ردپای یک کرم می‌گویند که با دعای میان‌گربه و پرندۀ روی درخت، از درون یک سیب به میان کاسه‌ی آرد می‌افتد و از آنجاست که داستان ردپای کرم در خیال دختری که تنها ردپا را می‌بیند و نه کرم آغاز می‌شود.

داستان از روی جلد آغاز می‌شود. دختر چشم‌هایش را بسته و میان کتاب‌ها در خیالات خودش است. ردپا هم از روی جلد شروع می‌شود و تا پشت جلد ادامه دارد.

کرم با سبیل و مو و قیافه‌ی بامزه‌اش با نورهای رنگی دور صورتش که از درون سیب به مخاطب کتاب نگاه می‌کند، از همان تصویر اول نشان می‌دهد که با داستانی عجیب از یک ردپای عجیب سروکار داریم. تصاویر پر از جزئیاتی هستند که داستان دعای میان‌گربه و کرم را از تصویر اول تا انتها ادامه می‌دهد: نقش‌های گربه و پرندۀ بر تابلوهای روی دیوار، گلدان‌های روی طاقچه و مجسمه‌ها. در هر صفحه، یکی از خیالات دختر که با دیدن ردپا در ذهنش زنده می‌شود تا پایان کتاب او را در دنبال کردن ردپا و حل این معما همراهی می‌کند. همه‌چیز زنده است! تابلوی نقاشی، ردپای پفکی که دل‌کی می‌شود و ردپای آرد که خرگوشی سفید می‌شود تا درخت‌های متعجب و خندان درون باغ. پایان این کتاب نجات‌پرندۀ است از چنگ گربه و بازگرداندنش به سوراخ درختی و خانه‌ای با کتابخانه‌ای بزرگ و اتاق‌هایی پر از نقاشی که خیالات دختر را رنگین و زنده کرده است!



ناشر: مؤسسه‌ی علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵
نویسنده: عادلۀ خلیفی

ژانر:

فانتزی

ساخت کشور:

کانادا

تاریخ انتشار:

۲۰۲۳

نویسنده:

مک بارت و جان کلاسن

کارگردان:

درو هاجز

نام:

جزیره‌ی شکل

معرفی انیمیشن

جزیره‌ی شکل

می‌دهند. دایره اهل مطالعه و علم است و روحیه‌ی منعطف و مهربانی دارد. مربع شخصیت جدی و منضبطی دارد که همیشه باید همه چیز سر جایش باشد و اگر بی‌نظمی ببیند آشفته می‌شود. مثلث روحیه‌ی سرخوشانه‌ای دارد که برایش چیزی مهم نیست. اهل ماجراجویی و خطر کردن است و اگر بخواهد کاری را انجام دهد، سخت نمی‌گیرد، اما چیزی که همه‌ی این سه دوست را در کنار هم قرار می‌دهد روحیه‌ی به فکر هم بودن و مهربانی است.

انیمیشن جالب و دیدنی «جزیره‌ی شکل» داستان سه شکل مثلث، دایره و مربع است که هرچند هرکدام روحیه‌هایی متفاوت از هم دارند، در کنار هم به‌خوبی زندگی می‌کنند. این انیمیشن دوست‌داشتنی برای کودکان یک مجموعه‌ی هشت قسمتی کوتاه است که در هر قسمت با ماجراهای مختلفی روبه‌رو می‌شویم. مثلث، مربع و دایره با توجه به روحیه‌ی که دارند در هر ماجرا تصمیمی می‌گیرند و واکنش‌های مختلفی از خود نشان



مهرداد جعفری





دستور آشپزی

ماست و خیار



اگر گفتید تابستان چه غذاهایی می‌چسبد؟! من می‌گویم! مثلاً ماست و خیار. این خوردنی در هوای گرم آدم را حسابی خنک می‌کند. درست کردن آن هم خیلی ساده است.

خیار را پوست می‌کنیم و با رنده‌ی درشت رنده می‌کنیم. بعد یک حبه سیر را هم رنده می‌کنیم و به آن اضافه می‌کنیم. حالا خیار و سیر را به ماست اضافه می‌کنیم. کمی نمک می‌زنیم و مواد را با قاشق خوب مخلوط می‌کنیم. بعد، نعناع خشک را روی ماست می‌ریزیم. می‌توانیم با نعناع روی ماست را هر جور که دوست داشتیم تزیین کنیم. ماست و خیار آماده است. یک غذای خوش مزه و خنک برای فصل گرما!

چی لازم داریم؟

یک عدد	خیار
یک پیاله	ماست
یک حبه	سیر
به مقدار لازم	نعناع خشک



سینا دیقی / ۵ ساله



حلیما



مطهره وریحانه دو خواهر مهربان

قاب کودکی

شما هم می‌توانید عکس‌های کودکان خود را
برای ما به شماره ایتای ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.

امیر ارسلان، کیان و محمد



خورشید پدram



دانستنی‌های ادبی

حکیم خیام نیشابوری



نازمن جلالی
شاعر و مترجم

تا به حال کلمه‌ی «همه‌چیزدان» را شنیده‌اید؟ «همه‌چیزدان» به افرادی می‌گویند که در چند حرفه مهارت دارند و دانش‌های زیادی را آموخته‌اند. ۲۸ اردیبهشت در تقویم ما به نام یکی از همه‌چیزدان‌های خراسانی ثبت شده است. امروز می‌خواهیم با این دانشمند بزرگ بیشتر آشنا شویم. حکیم عمر خیّام نیشابوری در قرن پنجم هجری در نیشابور به دنیا آمد. او به علوم دینی از جمله فقه و قرآن و حدیث آشنا بود. فلسفه می‌دانست و با دید فلسفی به دنیا نگاه می‌کرد و با فلسفه وجود خداوند را اثبات می‌کرد. هم‌چنین او یک ریاضی‌دان بسیار بزرگ بود و توانست تقویم جلالی را تنظیم کند که امروزه از دقیق‌ترین تقویم‌ها در دنیاست. با این همه، شهرت اصلی خیّام برای رباعیات اوست. خیّام شاعری بسیار توانا بود و رباعیاتش در سراسر جهان معروف است. دیوان رباعیات او به زبان‌های مختلف در دنیا ترجمه شده است. شعرهای خیّام ما را به شاد زندگی کردن دعوت می‌کند. آرامگاه او در شهر نیشابور است و هر سال بازدیدکنندگان بسیاری از سراسر جهان به آنجا سفر می‌کنند. خیّام آثار بسیاری دارد. برای مثال، علاوه بر رباعیات، می‌توانیم به نوز نامه اشاره کنیم. با خواندن آثار این دانشمند بزرگ، با اندیشه‌های او بیشتر آشنا خواهیم شد.

گفت و گو

درس‌های شاهنامه از نگاه کودک
شاهنامه‌خوان
و تصویرگر برگزیده داستان‌های
فردوسی:

خوب گوش کنیم و از کلام بیهوده بپرهیزیم



شیم کریمی

«ابوالقاسم فردوسی توسی شاعر
حماسه‌سرای ایرانی و سراینده‌ی شاهنامه
[حماسه‌ی ملی ایران] است. فردوسی را بزرگ‌ترین
سراینده‌ی پارسی‌گودانسته‌اند که از شهرت جهانی
برخوردار است. او را حکیم سخن و حکیم توس
هم می‌گویند.» آنچه خواندید نظر هلیا عبداللّهی،
هفت‌ساله، کلاس اول، شاهنامه‌خوان و نقاش
کوچک، درباره‌ی حکیم فردوسی است. با او
گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چگونه به ادبیات و شاهنامه‌خوانی علاقه‌مند شدی؟

همیشه در مسیرها زمانی که سوار ماشین
می‌شدیم پدر و مادرم به جای روشن کردن
ضبط، باهم مشاعره می‌کردند. به این ترتیب،
من هم کم‌کم به ادبیات علاقه‌مند شدم.
پدرم نیز از کودکی برایم شعرهای شاعران
بزرگ ایران را می‌خواند و داستان زندگی
اساطیر ایرانی را تعریف می‌کرد. من در بین
آن‌ها به اشعار فردوسی علاقه بیشتری
نشان دادم چون هر شعر داستانی جذاب به
همراه داشت. شاهنامه‌ی فردوسی حدود
شش هزار بیت است که انا از شعرهای آن را
کاملاً حفظ هستم. جز شاهنامه، آثار شاعران
شیرین سخن سعدی، حافظ، سهراب
سپهری و پروین اعتصامی
را هم مطالعه می‌کنم،
به تازگی در کلاس‌های
نقّالی نام‌نویسی کرده‌ام تا
به صورت تخصصی، در کنار
شاهنامه‌خوانی،
نقّالی هم انجام
بدهم.





از شاهنامه چه چیزهایی آموخته‌ای؟

شاهنامه به من آموخت که خوب گوش کنم، به‌جا صحبت کنم و از کلام بی‌هوده پرهیزم. هم‌چنین صبر و تلاش و درس گرفتن از تجربیات دیگران را هم یاد گرفتم. برای آمادگی هر اجرای شاهنامه‌خوانی، بیشتر شعرها را به صورت صوتی گوش می‌دهم، این‌گونه برایم دلنشین‌تر است و در بهتر شدن فنّ بیانم بسیار اثرگذار است. وقتی شاهنامه اجرا می‌کنم، دیگران به‌ویژه معلم و دوستانم تشویق می‌کنند که این موضوع در پیشرفت درس‌هایم نیز تأثیر زیادی دارد. البته پدر و مادرم در این راه کمک بسیاری به من می‌کنند که از آن‌ها سپاسگزارم.

تاکنون به چه موفقیت‌هایی دست پیدا کرده‌ای؟

بیشتر فعالیت‌های من در زمینه‌ی شاهنامه‌خوانی در مدرسه و منطقه بوده است اما کتاب داستان تولد زال را بازنویسی کرد و نقاشی‌هایش را خودم کشیده‌ام که چندین مرتبه از آن تقدیر شد. جوایزی هم کسب کرده‌ام که آخرین مورد جایزه‌ی تصویرگری «شخصیت دوست‌داشتنی من» در مسابقات کشوری کتابخانه‌ی استان گیلان است.

در ورزش‌هایی رزمی در سال ۱۴۰۰ مقام سوم کشوری را کسب کردم و اکنون در رشته‌ی کاراته به آموزش‌هایم ادامه می‌دهم. هم‌زمان، در رشته‌ی شنا هم فعالیت می‌کنم. در زمینه‌ی نقاشی در مسابقات بسیاری در استان و کشور و مسابقات بین‌المللی موفق به دریافت جایزه و لوح تقدیر شده‌ام. به‌مجرب‌گیری هم علاقه‌ی بسیاری دارم و در برنامه‌ی کودک استان تعدادی اجرا داشته‌ام.

در زمینه‌ی انیمیشن‌سازی کودک نیز فعالیت می‌کنم و در مسابقات زیادی در زمینه «اسکرچ جونیور» (یک زبان برنامه‌نویسی مقدماتی برای کودکان) شرکت کرده‌ام. داور برگزیده‌ی مسابقات داستان‌نویسی شدم و شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی را هم در کارنامه دارم.

در سال ۱۴۰۱ جزو ۱۰ کودک برگزیده از ایران در مسابقات نقاشی هندوستان، جزو برگزیدگان مسابقه‌ی نقاشی «خانواده‌ی من» در استان البرز، میهمان ویژه شبکه استانی در برنامه کودک «نویسنده کوچک»، برنده مسابقه «کتاب من»، برگزیده مسابقات انیمیشن‌سازی و برگزیده کتاب داستان کتابخانه‌های سراسر ایران در بخش کودکان، بخشی از موفقیت‌هایم بوده است. امسال را هم با دریافت جایزه‌ی نقاشی شب‌قدر از کتابخانه قاصدک استان و برگزیده شدن در مسابقات نقاشی مکزیک در کاخ نیاوران آغاز کرده‌ام.

از برنامه‌ها و هدف‌هایت برایمان بگو.

دوست دارم یک ورزشکار جهانی باشم و پرچم کشورم را بارها با افتخار بالا ببرم و در زمینه‌ی شاهنامه‌خوانی هم روزی بتوانم کل کتاب شاهنامه را حفظ کنم. آرزو دارم بتوانم کتابی با تصویرگری خودم از قصه‌های قرآن نیز منتشر کنم. برای رسیدن به آرزوهایم تلاش می‌کنم و دوستانم می‌خواهم از وقت خود نهایت استفاده را ببرند زیرا وقت طلاست. در راه رسیدن به علایق و اهدافشان نیز بسیار تلاش کنند و هرگز دلسرد نشوند.

چه خانوادگی خوبی!



هر کجای دنیا که بروید، زندگی خانوادگی از یک پدر و مادر و بچه ها تشکیل می شود. ما هم یک خانواده هستیم و خیلی خوش حالیم که بابا بزرگ و مادر بزرگمان نزدیک ما زندگی می کنند.

اگر کم کم همه ی هنرهای
زندگی را از مادر یاد
بگیریم، هیچ وقت در
آینده آه نمی کشیم و «ای
وای چقدر حیف شد!»
نمی گوئیم.



بابا بزرگ داشتن
یک شانس
بزرگ است. من
چیزهای زیادی
از او یاد می گیرم.

پدر مثل دیوارهای محکم برای خانواده است.
نباید همه‌ی بارها را روی دوش او انداخت. با
پدرمان دوست باشیم.

یک خانواده‌ی خوب
همیشه در کنار هم بازی و
ورزش می‌کنند.



لحظه‌های خوب را
خودتان به وجود بیاورید
و منتظر نباشید کسی
خوشبختی را برایتان
پست کند.



تصویرگر: زهره افطاعی

جدول انگلیسی

دروغ مگو

دروغ گفتن کار خوبی نیست. هیچ کس از این کار خوشش نمی آید. یک روز مردی از امام صادق [ع] خواست که او را نصیحت کند. امام فرمود: «دروغ مگو»



وقتی کسی دروغ می گوید، ما دیگر به او اعتماد نمی کنیم. پس باید مواظب باشیم خودمان هم دروغ نگوئیم. کلمه های مشخص شده را در جدول پیدا کن. راهنمایی: همه ی کلمات افقی هستند.

C	K	L	I	E	R	T	O
V	N	O	B	O	D	Y	E
B	M	A	N	N	K	L	B
A	D	V	I	C	E	E	D
X	W	H	E	N	Y	R	Y
S	O	M	E	O	N	E	N
T	R	U	S	T	U	S	F
F	M	U	S	T	C	E	J



- پاسخ ها
- Lie دروغ کس
- Nobody هیچ کس
- When وقتی
- Somebody کسی
- Trust اعتماد
- Must باید
- Man مرد
- Advice نصیحت



امین صادقپور

عروسک دَھول روستای پردان

پیشینه‌ی هنر عروسک‌سازی در سرزمین ایران بسیار کهن است. امروز به روستای پردان در شهرستان زیرکوه می‌رویم تا با یکی از عروسک‌های این روستا که نامش دَھول است آشنا شویم.

سازنده‌ی این عروسک، اکبر دولتی، درباره‌ی آن می‌گوید: دَھول عروسکی ساده و و چیزی شبیه به مترسک است. در گذشته این عروسک توسط پدران ساخته می‌شده است. وقتی عروسک دَھول آماده می‌شد، به اوزنگوله و فلزاتی که بتوانند از خودشان صدا تولید کنند آویزان می‌کردند تا آن را سر مزارع روستا ببرند. با وزش باد، زنگوله‌ها به صدا درمی‌آمد و پرندگان و حیوانات داخل مزرعه با دیدن مترسک دَھول، از آنجا فرار می‌کردند. هم‌اکنون نیز کشاورزان برای هم از خود از عروسک دَھول استفاده می‌کنند.



میراثبان



تصویرگر: زهرا اقطاعی